

# هو الله - رب ورجائی اتی امرغ جینی بتراب عبتک...

عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



هو الله

رب ورجائی اتی امرغ جینی بتراب عبتک العلیا واضعه علی الثری راکعاً ساجداً خاضعاً لعظمتک العظمی وارجوک رجاء یملاً القلب و الأحشاء ان تدرك الرجل الحليم ذالقلب السليم و الخلق العظيم عبدک ابراهیم بفیضک المبین و صیبک العمیم المحیی للعظم الرمیم و تویده فی هذا السبیل حتی یروی من كأس السلسبیل و یریدى الناس الی الملکوت الجلیل بحجة قاطعة و واضح الدلیل ربّ انه مستهام فی حبک و متیم فی جمالک و مهیم فی جلالک ناطق بذکرک شائق الی لقائک سائق الیک ثابت علی دینک نابت فی ریاضک منتعش فی غیاضک ساحح فی حیاضک نابض فی جسد الامکان بفضلك و جودک ربّ اجعله آية الانجذاب بین الأحباب و نائرة الالتهاب بین الأصحاب حتی یضطرم القلوب و ینسجم الدموع حباً بجمالک المشرق فی غیب الملکوت انک انت القوی القدير العزیز المحبوب و انک انت الربّ الکریم الودود لا اله الا انت البرّ الغفور الرؤوف

ای بنده مقرب جمال اہی، آنچه بجناب منشادی مرقوم ملحوظ افتاد شکایت از عدم توفیق بر عبودیت نموده بودید. اشد ان ربک وفتک علی عبودیت عبتہ العلیا و شد از رک و قوی ظهرک علی خدمت امرالله طوی لک من هذا اما ما کتبه حضرة حیدر قبل علی فلا تبتئس منه ان ربک لرؤوف کریم. ایشان بسیار شخص پر طمعند بدرجه ئی قناعت نمایند هر چند خود ایشان همواره معترفند و با عبدالبهاء مذاکره می نمایند که احبای ارض خاء همیشه در سبیل جمال اہی اسیر محن و آلام بوده اند و از هر مصیبت و بلائی فتور نیاورده اند در ره حق پریشانند و جانفشاند و بیلا شادمانند و در شدت امتحان کامران با وجود این قناعت نمایند بدین سبب آن عبارت را نگاشته اند شما محزون مگردید یشهد عبدالبهاء بثبوتکم فی دین الله و رسوخکم علی میثاق الله و اضطرارکم بنار محبة الله و عدم اضطرارکم فی امتحانات الله و النصر امکم عن کل ناقض مرتاب.

خدمت یاران بتبلیغ امرالله است و عبودیت آستان مقدس و نشر نفحات الله لله الحمد احبای ارض خاء بآن مؤید و موق و لی مقصد این است که در یوم مبارک آن ارض سبقت بر جمیع اقالیم داشت. حتی قبل از صعود بواسطه عبدالبهاء تبلیغ پیام الهی گردید و این اختصاص بآن ارض داشت. لهذا باید بسبب این خصوص شمع خلوص برافروزند و بنیان مرصوص تأسیس نمایند. ما را نیز امید چنین است و جناب نورالله و ضیاءالله و سناءالله و آقا عباس را از قبل این عبد تحیت مشتاقانه برسان. جناب میرزا محتشم را حشمت ملکوتی خواهم و جناب محتشم جدید را تأیید شدید جویم و جناب ملا صمد را فیض ابد طلبم و جناب ملا حسین را نور المشرقین خواهم و جناب ملا غلامحسین را نجم الخالقین آرزو کنم



ORIGINAL



AUDIO

و جناب ملا عباسعلی را مظهر فیض علی جویم و جناب ملا محمد را الطاف ربّ احد خواهیم و جناب میرزا غلامحسین زائر را نجم باهر طلبم و جناب میرزا حسین را مستضیء از نیرین خواهیم و جناب میرزا مشکین را نفس مشکین جویم و جناب آقا محمد حسین را از عینین نضّاختین نصیب خواهیم و جناب سمی مقصود را فضل محمود طلبم و جناب نظر علی را بصر حدید جویم و جناب یاور را از خدا یآوری خواهیم و جناب ملا حاجی محمد را مدد از ربّ غفور جویم و جناب کهل روحانی را توفیقات سبحانی خواهیم و جناب عباس سسکانی را حالی از فضل و موهبت ربّانی جویم و سایر احبّای جدید و غیر جدید و یاران دیرین را بنهایت اشتیاق مشتاقم.

اما حضرت جوان روحانی را نهایت شوق و وله از قبل عبدالبهاء برسان و بگوای یار دیرین و مونس قدیم من حقّ باتست و از تو شکر و شکوه هر دو مقبول زیرا شکوهات نیز منبعث از حرارت محبت الله است. این شکوه اعظم از شکر و این فغان و ناله خوشتر از آهنگ چنگ و چغانه. خدا از تو راضی، من از تو خوشنود، احبّا از تو ممنون، دیگر زبان بگشا و هر چه خواهی ناله و شکایت نما.

ای روحانی من ترک گله کن      چوپانی حقّ در آن گله کن اغنام خدا در دشت بلا      دلجوئی  
آن با ولوله کن از حبّ بها و ز فرط وفا      ارکان جفا پر زلزله کن از ذوق مدام و از شوق مدام  
دلهای انام پر هلهله کن زامکان و حدود تا منزل مقصود      در طیّ مکان یک مرحله کن

ای ابراهیم در خصوص اذن حضور مرقوم نموده بودید، مأذون طواف مطاف ملا اعلی هستید.

اما مسئله مزرعه و قنات جدید آن سهم که تعلق بعبدالبهاء دارد بفروشید و قیمتش را بجهت مصارف مشرق الأذکار عشق آباد بفرستید زیرا آنچه تعلق باین عبد داشته در هر جا فروخته شده و می شود و ارسال به آنجا میگردد. جناب علیمحمد و سه اناث متعلق به آنجناب و ضجیع محترم را تکبیر ابدع ایبی ابلاغ دارید و علیکم التّحیّة و الثّناء      ع ع

